

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهستی شاهرخي
۰۵ اکتوبر ۲۰۲۱



مهستی شاهرخي

تکرار خنده دار تاریخ

کنفرانس سیاستمداران اتوکشیده در گوادلوپ، توافق در دوحه
مساویست با ظهور و هجوم زامبی ها به خاورمیانه
رنسانس خلافت اسلامی و خلافت عثمانی
احداث و گسترش وزارتخانه «امر به معروف و نهی از منکر» یا «ارشاد» یا «دیانت»
آری، هیولاهای غارنشین از خوابی چند هزارساله برخاسته اند
آنها با چماقهایشان از اعماق قرون بازآمده اند
چماق بر دوش، از غارهای تاریکشان بیرون ریخته اند تا جهان را تیره و تار کنند.

ریش انبوه و افسگرایی و خشونت این حشرات خونخوار، جانوران را در بهتی غریب فرو برده است
آنک تسخیر برج بابل است به دست حکومت نوین داعش با شمشیر!
اینک تصرف نینواست به دست خلفای تازه به دوران رسیده عثمانی!
راستی حزب عدالت و توسعه با احداث دیواری به دور خود، چه را می سازد؟ یا چه را پنهان می کند؟
اینک سرسره بازی است با خمپاره و آر پی جی در شهر بازی کابل!

چرا برجهای دوقلو منفجر شدند؟
چرا دهکده های افغانستان در جست و جوی بن لادن بمباران شد؟

مگر او در پاکستان مخفی نشده بود؟!
آیا سرانجام کسی می داند برای چه؟
آیا خواست خدا یا خدایان بوده است؟
چرا ما در قرون وسطا گیر کرده ایم؟
چرا من از کشمکش قرون می آیم؟
مانند آونگی شده ام در پیش و پس شدن زمان!

همسایگان افغان برای نجات، خود را به بال هواپیمای امریکائی می آویزند
آنها می خواستند از جهنم طالبان بگریزند تا شاید به بهشت بروند
اما استخوان هایشان در چرخهای هواپیما به جا ماند
طالبان با توافق و تبتانی سرزمین زادگاهشان را تصرف کرد
مگر روی کره زمین به این بزرگی، جا برای همه نیست؟

تصرف و سقوط دوباره کابل به دست طالبان
موازی بود با فرود من به درون چاه نومیدی
مساوی بود با ورود به سیاه چاله ای از بن بست و بی پناهی
در جهانی که مردم دیگر پیشیزی به حساب نمی آیند
همیشه شاپرکها زیر فشار غولهای بیایانی زودتر خرد می شوند

دنیا برای شکسپیر، صحنه نمایشی بود و بازیگرانش فرمانروایان و جنگ آوران!
برای مارکس، تاریخ نمایشی بود که همیشه دو بار تکرار می شد:
نخستین بار به شیوه تراژیک و دومین بار به شیوه خنده دار!
آیا در تمام این نمایش های تاریخ معاصر، ما همیشه سیاهی لشکر نبودیم؟
اکنون ما در کجای نمایش تاریخ هستیم؟
راستی پس چرا ما به این اوضاع خنده دار نمی خندیم؟
سرانجام چه هنگامی زمان خندیدن ما فرا خواهد رسید؟

چهل و دو سال پیش، طالبان با ماسک انقلاب بر ما فرود آمد
چه کسی می پنداشت که طالبان پروژه ای دراز مدت برای خاورمیانه باشد؟
چه کسی می دانست ملایان روز به روز مستقرتر و قوی تر خواهند شد؟
چه کسی حدس می زد چرخ زمان به دست آنها به عقب بازگردانده شود؟
چه کسی به نقشه شوم آخوندهای بی وطن برای ویران کردن ایران آگاه بود؟

ویرانی ایران و افغانستان و عراق و سوریه و لبنان و یمن حاصل همین پروژه است

ویرانی مردم و آثار همه تمدنهای غنی و دیرین میان رودان
این همه دزد و راهزن و آدمکش و دزد دریائی، ناگهان از کجا پیدا شد؟
کشورهای باستانی و ثروتمند و نفت خیز شرقی به دست طالبان و داعش ویران شدند
تا کشورهای بی تاریخ و بی هویت و ساختگی و زورگو بر جهان چیره شوند
در این میان دزدان در روز روشن جولان می دهند اما دستشان هرگز قطع نخواهد شد!

بیست سال پس از اشغال نظامی افغانستان توسط قوای نظامی ناتو،
جو بایدن گفت: «ما به افغانستان نرفته بودیم که زنان افغان را آزاد کنیم!»
آقای پوتین پاسخ داد: «دموکراسی را نمی شود با زور به مردم تحمیل کرد، اگر مردم به دموکراسی احتیاج داشته باشند
به شکل طبیعی به آن می رسند!»
اما چرا صدای زنی محببه از زیر روبنده در برابر میکروفون به خبرنگار دولتی که گفته است:
«از دموکراسی خسته شده بودیم» در ذهنم طنین انداخته است؟
ما نیز از بازی دموکراسی اوپاما و تعارفات ما با او و نقشه های آقایان چکمه با دندانهای سفید و تیز در این بازی دیگر
خسته شده ایم. خسته!
ما آزادی را برای جهان زندگان می خواهیم.

دهم مهرماه [میزان] ۱۴۰۰ برابر با دوم اکتوبر ۲۰۲۱ - پاریس